

## تطور زمینه ها و بسترهای اجتماعی علیه امنیت عمومی

### دکتر اسکندر مومنی

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی

چکیده :

امنیت، انتظار نخست انسانها از حکومت هاست که امروزه ابعاد گسترده و شرعی یافته است، در تلقی های سنتی، وجود امنیت، برابر با فقدان تهدید نظامی بوده، اما امروزه با ورود به دوره مدرن و پسامدرن تلقی سنتی از مقوله امنیت دچار تحولات اساسی گردیده است. ایجاد نظم و امنیت بدون شناسایی تهدیدات و پیچدگی های آن در بخش های مختلف سیاسی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی اعم از حوزه های داخلی و خارجی مقدور نخواهد بود.

هدف از این پژوهش شناخت زمینه ها و بسترهای اجتماعی تهدید علیه امنیت عمومی است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تکنیک جمع آوری داده ها و اطلاعات کتابخانه ای و اسنادی است.

در این مقاله تلاش می شود به شیوه استدلال نظری، عوامل و مولفه های داخلی امنیت عمومی که شامل 5 عامل مشخص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و انتظامی است را مورد بررسی قرار دهیم.

کلید واژه ها : امنیت عمومی، عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، انتظامی

مقدمه :

امنیت عمومی برای هر نظام سیاسی از جایگاه خاصی برخوردار بوده که می تواند از سوی بازیگران مختلف داخلی و خارجی مورد تهدید و تعرض قرار گیرد. تهدیدات خارجی اعم از سخت و نیمه سخت و یا نرم از جمله تهدیدی است که سطح امنیت ملی و سطوح دیگر مانند امنیت عمومی را تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین منابع تهدید امنیت عمومی میتواند همان منابع تهدید امنیت ملی باشد اما تهدید شونده (مرجع امنیت) در هر یک از سطوح متفاوت باشد که در نتیجه تأمین کننده امنیت نیز متفاوت خواهد بود. برای مثال تهدیدات اقتصادی می تواند از طریق پدیده های اقتصادی مانند تورم

یا رکورد اقتصادی موجب ناامنی عمومی شود این امر ممکن است ناشی از تهدیدات خارجی مانند تحریم اقتصادی باشد و یا فرقه‌گرایی و اختلاف قومی و مذهبی نیز می‌تواند به عنوان تهدیدات اجتماعی ابعاد مختلف امنیت عمومی را مخدوش کند و نیز تهدیدات فرهنگی که در بی‌هویت کردن جامعه نقش به‌سزایی دارد می‌تواند ابعاد مختلف امنیت عمومی را تحت تاثیر قرار دهد. (Wilson, 2008:38)

مفهوم امنیت در جهان سوم با توجه به ویژگی‌های خاص آن با مفهوم امنیت در جهان غرب تا حدودی متفاوت است. در جهان غرب، امنیت بیشتر خارجی تعریف می‌شود. یعنی مربوط به محیط و بازیگران خارجی است. در حالی که امنیت در جهان سوم عمده‌تاً داخلی می‌باشد و آن مجموعه هم خارجی هم، بیشتر متأثر از موضوعات امنیت داخلی است.

امنیت در جهان سوم عمدتاً دولت محور و مبتنی بر موضوعات سیاسی است. مفهوم امنیت در جهان سوم در قالب سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است و با توجه به دولت محور بودن آن بر اساس آس‌یب‌پذیری‌های داخلی و خارجی دولت مورد نظر تعریف می‌شود. در دوران معاصر گفتمان‌های مطالعات امنیتی اغلب در دو مقوله رایج مطرح شده‌اند: یکی گفتمان امنیت سلبی و دیگری گفتمان امنیت ایجابی. در گفتمان امنیت سلبی که ریشه در مکتب واقع‌گرایی (realism) داشته و عقبه فکری آن نیز بر اساس نگاه بدبینانه به ذات انسان بر اساس نظرات نویسندگانی چون «ماکیاول» و «هابز» برمی‌گردد، امنیت با نبود تهدید تعریف می‌شود و تهدید یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در تعریف امنیت به کار رفته است: به عبارت دیگر فهم امنیت بدون درک تهدید امکان‌پذیر نیست. پژوهشگران این حوزه ضمن تأکید بر قدرت نظامی عمدتاً به بررسی و شناسایی ابعاد و مصادیق تهدید در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... می‌پردازند تا اینکه شناختی فلسفی و دقیق از مفهوم فوق ارائه کنند.

بیان مساله :

امنیت عمومی برای هر نظام سیاسی از جایگاه خاصی برخوردار بوده که می‌تواند از سوی بازیگران مختلف داخلی و خارجی مورد تهدید و تعرض قرار گیرد. تهدیدات خارجی اعم از سخت و نیمه سخت و یا نرم و از جمله تهدیدی است که سطح امنیت ملی و سطوح دیگر مانند امنیت عمومی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین منابع تهدید امنیت عمومی می‌تواند همان منابع تهدید امنیت ملی باشد اما

تهدیدشونده (مرجع امنیت) در هر یک از سطوح متفاوت باشد که در نتیجه تامین کننده امنیت نیز متفاوت خواهد بود . برای مثال تهدیدات اقتصادی می تواند از طریق پدیده های اقتصادی مانند تورم یا رکورد اقتصادی موجب ناامنی عمومی شود این امر ممکن است ناشی از تهدیدات خارجی مانند تحریم اقتصادی باشد و یا فرقه گرایی و اختلاف قومی و مذهبی نیز می تواند به عنوان تهدیدات اجتماعی ابعاد مختلف امنیت عمومی را مخدوش کند و نیز تهدیدات فرهنگی که در بی هویت کردن جامعه نقش به ه سزایی دارد می تواند ابعاد مختلف امنیت عمومی را تحت تاثیر قرار دهد ناشی از تهدیدات خارجی باشد.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به برنامه پنجم توسعه و سند چشم انداز بیست ساله خود که در نظر دارد تا در ابعاد مختلف، در رتبه اول منطقه قرار گیرد و از سوی دیگر نظر به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه و وجود تهدیدات خارجی که سطوح و ابعاد مختلف امنیتی از جمله امنیت عمومی کشور را تحت تاثیر قرار می دهد می بایست به موضوع تثبیت و ارتقاء امنیت عمومی کشور که خود فراهم کننده زمینه و بستر توسعه در دیگر بخش ها می باشد توجه خاص نماید. لذا انجام این تحقیق و شناخت ماهیت و ابعاد مختلف تهدید و ارائه راهکار و راهبردهایی برای حفظ و ارتقاء امنیت عمومی تا تهدیدات خارجی نتواند ثبات و نظم عمومی کشور را بر هم زند مهمترین مسئله به نظر محقق می باشد . بنابراین مساله اصلی این تحقیق مبتنی بر دستیابی به راهبردهای ارتقاء امنیت عمومی کشورمان در برابر تهدیدات خارجی است.

ضرورت و اهمیت تحقیق :

امنیت و تهدید برداشت های مختلف از یک پدیده هستند . این دو مفهوم قدمتی به وسعت تاریخ حیات انسان داشته و از جهتی بر مفهوم جامعه و اجتماع نیز تقدم دارند . این دو مفهوم به تدریج با توسعه زندگی بشری تحول و ابعاد تازه ای یافتند، به گونه ای که دولت ها امروزه باید با شناسایی تهدیدات و پیچیدگی های آن در بخش های مختلف سیاسی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی اعم از حوزه های داخلی و خارجی با ایجاد امنیت فراگیر زمینه های توزیع برابر فرصت ها، امکانات و خدمات را فراهم آورده و این امر را بر برنامه ریزی های دیگر در حوزه سیاست و قدرت مقدم بدانند. بدون توجه به شناخت تهدیدات و ایجاد نظم و امنیت و آرامش همه جانبه در سراسر قلمرو سرزمینی نه تنها زمینه های ایجاد فرصت های برابر و تحقق عدالت

فراهم نمی شود بلکه نظم و امنیت اجتماعی کاهش یافته و زمینه های تقابل دولت و ملت در قالب های مختلف از جمله مشارکت منفی فراهم می شود. در آخرین نظرسنجی صورت گرفته در کشور تحت عنوان اولویت بندی انتظارات از رئیس جمهور آینده، امنیت خواسته 95% مردم بوده است. لذا با توجه به حضور گسترده ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه و تعارض عمیق منافع با ایران، بررسی و تحقیق در موضوع یاد شده می تواند به شناخت سیاست ها، اهداف و تهدیدات آمریکا و تاثیر آن بر امنیت عمومی و نییز به درک درست بازیگران و برنامه ریزان مربوطه داخلی از ماهیت تهدیدات و شناخت و برنامه ریزی صحیح جهت اقدامات مقابله ای و همچنین تامین امنیت عمومی و ایجاد بازدارندگی کمک نماید. مقابله با تهدیدات خارجی مستلزم پرداختن به همه جلوه های ظهور و بروز و سطوح این تهدیدات است. یکی از این سطوح می تواند تهدید امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران باشد و اگر به این موضوع فکر نشده و به آن پرداخته نشود در اصل مسئله یعنی حاکمیت و امنیت ملی مان دچار مشکل و چالش اساسی خواهیم شد. لذا بررسی و تحقیق در موضوعات فوق می تواند به متولیان امنیتی در اتخاذ استراتژی و همچنین سیاست گذاری و برنامه ریزی لازم جهت تامین امنیت عمومی و حتی ایجاد بازدارندگی کمک نماید.

هدف تحقیق :

شناخت و تبیین زمینه ها و بسترهای اجتماعی علیه امنیت عمومی

سوالات تحقیق :

سوال اصلی :

زمینه ها و بسترهای اجتماعی علیه امنیت عمومی کدام است؟

سوالات فرعی :

عوامل اجتماعی علیه امنیت عمومی کدام است؟

عوامل اقتصادی علیه امنیت عمومی کدام است؟

عوامل فرهنگی علیه امنیت عمومی کدام است؟

عوامل انتظامی علیه امنیت عمومی کدام است؟

عوامل سیاسی علیه امنیت عمومی کدام است؟

روش شناسی تحقیق :

روش پژوهش از نوع توصیفی و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و اسنادی بوده که در این رابطه ابتدا با مرور ادبیات تحقیق مولفه های اصلی امنیت حسب دیدگاه برخی از صاحب نظران مطرح مطالعه و ابعاد نظری آن مطرح گردید.

ادبیات تحقیق :

با بررسی های انجام شده تحقیقی با این موضوع یافت نشد ولی تحقیقات مشابهی به شرح زیر یافت شد :

پیشینه تحقیق :

الف) بهرام بیات :

تبیین جامعه شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی. پایان نامه دکتری. دانشگاه 1387

این رساله با هدف بررسی متغیرهای موثر بر احساس امنیت در شهر تهران صورت پذیرفته است.

ب) هرمزی، حسین :

طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/حسین هرمزی؛ به راهنمایی : قاسم افتخاری؛ استاد مشاور: قاسم شعله سعدی . پایان نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه تهران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، 1385

پایان نامه فوق پس از تبیین نظری امنیت و تهدید و همچنین بررسی طرح خاورمیانه بزرگ ایالات متحده آمریکا اثرات و تبعات آن را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار داده است.

ج) متفکر، حسین :

فروپاشی نظام دوقطبی و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران/حسین متفکر؛ به راهنمایی: منوچهر محمدی.

پایان نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه تهران، 1373

د) موسوی، رضا :

جهانی شدن سیاست و تاثیر آن بر مفهوم امنیت ملی /رضا موسوی؛ به راهنمایی : محمدرهاد عطایی : استاد مشاور :

اصغر افتخاری. پایان نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، 1382.

در این پایان نامه پس از توضیحات مقدماتی پدیده جهانی شدن از ابعاد مختلف تحلیل می شود. بحث اصلی بر سر زوال حاکمیت ملی در عرصه سیاست است.

تعاریف و مفاهیم :

امنیت ملی :

در دوران معاصر گفتمان های مطالعات امنیتی اغلب در دو مقوله رایج مطرح شده اند : یکی گفتمان امنیت سلبی و دیگری گفتمان امنیت ایجابی. در گفتمان امنیت سلبی که ریشه در مکتب واقع گرایی (realism) داشته و عقبه فکری آن نیز بر اساس نگاه بدبینانه به ذات انسان بر اساس نظرات نویسندگانی چون «ماکیاول» و «هابز» بر می گردد، امنیت با نبود تهدید تعریف می شود و تهدید یکی از مهم ترین مفاهیمی است که در تعریف امنیت به کار رفته است: به عبارت دیگر فهم امنیت بدون درک تهدید امکان پذیر نیست. پژوهشگران این حوزه ضمن تاکید بر قدرت نظامی عمدتاً به بررسی و شناسایی ابعاد و مصادیق تهدید در حوزه های نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... می پردازند تا اینکه شناختی فلسفی و دقیق از مفهوم فوق ارائه کنند.

با توجه به ملاحظات فوق، تعاریف مختلفی از تهدید و امنیت توسط اندیشمندان ارائه شده است. برای مثال آرنولد و لفرز امنیت را در بعد عینی فقدان تهدید نسبت به ارزش ها و در جهت ذهنی فقدان ترس از اینکه چنین ارزش هایی مورد هجوم واقع شوند تعریف می کند و مکتب ک پنهاگ نیز امنیت را احساس رهایی از تهدید تعریف می کند و معتقد است امنیت ملی صرفاً پس از درک معقول از ماهیت تهدیدات امکان پذیر است. (بوزان، 1386 : 84)

امنیت داخلی :

امنیت داخلی اصطلاحی است که در مقابل امنیت خارجی طرح شده و شاخص تفکیک آن مرز جغرافیایی است. بدین معنا که ایجاد وضعیت ایمن در قلمرو جغرافیایی در ملت کشور در حیطه معادلات و مطالعات امنیت داخلی قرار دارد و ملاحظات خارج از آن یعنی مطالعات و راهبردهای یک دولت در سطح منطقه ای و بین المللی به امنیت خارجی اختصاص می یابد و

از این رو در پیوند با امنیت ملی قرار می‌گیرد. (بوزان، 1378 ص 47-57)

امنیت عمومی :

امنیت عمومی وضعیتی است که ضمن حفظ و حراست از ارزش‌های اساسی و هنجارهای جامعه، عموم مردم از هرگونه تعرض و تهدیدی نسبت به جان، مال، ناموس و عرض خود در امان بوده و در خصوص رعایت و حمایت از حقوق مشروع خود از طرف سایر بازیگران (افراد، گروهها، نهادها و دولت) اطمینان خاطر داشته و احساس آرامش نمایند. (مومنی، 1389 : 113)

امنیت اجتماعی :

امنیت اجتماعی نسبت نزدیکی با مفهوم «هویت» دارد. در این رابطه جوامع، زمانی از امنیت اجتماعی برخوردارند که هویت آن جامعه مورد تهدید واقع نشود. منظور از تهدید هویت جامعه، تهدیدی است که بقای جامعه را دچار مشکل سازد. (waver,1993:25) منظور از امنیت اجتماعی، تداوم پایدار هویت، منافع، مزیت اجتماعی گروههای اجتماعی یک جامعه و راهکارهای حل کشمکش‌های اجتماعی موجود است. از سوی دیگر امنیت اجتماعی به مفهومی پایداری الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، اجتماع، آداب و هویت مذهبی و ملی در درون یک شرایط مورد قبول برای رشد و پیشرفت است. (Watson,2005:9)

چارچوب نظری :

نظریه‌مبنایی این پژوهش مبتنی بر دیدگاه امنیتی اسلام می‌باشد. اسلام امنیت را یکی از اصول زندگی و ضرورت اجتناب ناپذیر در زندگی جمعی و عنصری حیاتی در بهره‌برداری از مزایا و مواهب حیات و نعمات الهی می‌داند و از لوازم ضروری و زمینه‌ساز تکامل و ارتقاء بشر تلقی کرده است. اسلام امنیت را از مقدس‌ترین آرمان‌های بشری و الهی می‌داند. با استناد به آموزه‌های قرآنی و سیره نظری و عملی پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) دیدگاه امنیتی اسلام بر چند اصل عمده بنا شده است.

با ارائه این اصول امنیتی مانند ایمان، ولایت، سعادت، امنیت انسانی، مبارزه با جنگ افروزان و فتنه‌انگیزان، نهی از اطاعت طاغوت، پایبندی به قوانین الهی، برقراری قسط و عدل و انفاق و رسیدگی به فقیران و محرومان معتقد است برای کمال و سعادت انسان و جامعه ضمن وجود شرایط لازم و نگاه‌ایجابی به امنیت باید با موانع و تهدیدات داخلی و خارجی نیز مقابله نموده و آنها را رفع نمود.

از این رو راهبردهای ارتقای امنیت عمومی می تواند ضمن رفع زمینه ها و عوامل ناامن کننده امنیت عمومی و تقویت عوامل تولید و توسعه امنیت عمومی به رفع یا کاهش اثر تهدیدات خارجی در این زمینه بیانجامد.

یافته ها :

در بررسی عوامل و مولفه های داخلی امنیت عمومی می توان به 5 عامل مشخص اجتماعی ، سیاسی، اقتصادی ، فرهنگی و انتظامی اشاره کرد که در ادامه بحث به بررسی هریک از این مولفه ها می پردازیم .

## 1 . عوامل اجتماعی

### الف . توسعه اجتماعی

توسعه و امنیت عمومی پیوند نزدیکی با هم دارند و یکی تأمین کننده دیگری است. توسعه جریانی چند بعدی است که در خور تجدید سازمان بوده و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد. این جریان علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت های نهادی، اجتماعی، اداری و نیز ایستارها و وجه نظرهای عموم مردم است و در بسیاری موارد تأمین کننده امنیت آنان می باشد؛ همچنن به نیازهای عمومی جامعه پاسخ مثبت می دهد (لهمان 1979 : 32-9).

توسعه از دیدگاه پروکفیلد فرایندی است که بر حسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و نا برابری گام بر می دارد. (لانگ، 1997 : 75). نکته اساسی در مفهوم توسعه، بار ارزشی و فرهنگی آن است که به معنی بهبود وضعیت زندگی مردم در جامعه به کار می رود و هدایت طرح های توسعه بدون آگاهی از بسترهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و علمی موجود در کشورها ممکن نیست. همچنین بسیاری از مشکلاتی که طرح های توسعه ای دارند ناشی از عدم بررسی علمی و عدم انتخاب الگوهای بومی است. وجود پدیده بیکاری آشکار و پنهان، حاکمیت سیاست براققتصاد و مشکلات متعدد بخش دولتی که به انحای مختلف موجب عدم کارایی و بهره وری این بخش می شود، از سویی نوعی دوگانگی و محدودیت را به وجود می آورد که فرایند توسعه را پیچیده و امنیت عمومی را مخدوش می کند و عدم رشد بخش خصوصی، فقدان منابع و زیرساخت های لازم برای ایجاد پدیده رقابت براققتصاد را موجب می شود.



## 1- الف. نظریه نا بسامانی

نظریه نابسامانی دورکیم بر نوعی از ناهنجاری تأکید می کند که در آن نظم های اجتماعی از هم گسیخته می شود و نفوذ نظارت کننده جامعه برگرایش های فردی، کارایی خود را از دست می دهد. در حقیقت، آنومی به وضعیتی در جامعه اشاره می کند که با فقدان هماهنگی در روابط همراه است. از نظر دورکیم برخی شرایط موجود آنومی عبارت اند از: تغییرات جمعیتی و افزایش سریع حجم و تراکم جمعیت، بی سامانی اجتماعی حاصل از شهر نشینی افسار گسیخته شهرهای بزرگ، عدم تعادل در ساختار جمعیت از نظر سن و جنس (به دلیل پدیده هایی مانند مهاجرت، توسعه سریع وسایل حمل و نقل و وسایل ارتباط جمعی) و عدم همپایی و تغییر فرهنگ غیر مادی با تغییرات سریع فرهنگ مادی (ترنر و البیگی، 1370: 440-437). در واقع، این پدیده ها باعث نا بسامانی اجتماعی، بروز مشکلات در حیات جمعی و در نهایت کاهش امنیت عمومی و بروز ناهنجاری ها و خشونت می شود.

## 2- الف. نظریه نوسازی

برخی متفکران نوسازی متعقدند رابطه ظاهری فقر و عقب ماندگی با بی ثباتی و خشونت رابطه ای کاذب است. این، نه فقدان نوسازی، بلکه کوشش برای نوسازی است که باعث نابسامانی سیاسی می شود. اگر کشورهای فقیر، بی ثبات به نظر می رسند، به علت فقرشان نیست، آنها می کوشند ثروتمند شوند. در نیمه قرن بیستم جوامع سنتی، همگی در فرایند انتقال دستخوش خودسازی بوده اند و رواج نوسازی در سراسر جهان، خشونت را در عالم رواج داده است. آغازگران نا آرامی و شورش ها در جامعه در حال نوسازی، حاشیه نشینان، طبقه کارگر، طبقه متوسط و ... هستند؛ نسل دوم حاشیه نشین ها که بیشتر مهاجرند، آمادگی شرکت در جنبش های اجتماعی و رفتار اعتراض آمیز را دارند. همچنان که دانشجویان در طبقه متوسط، به دلیل آشنایی بیشتر با جهان نوین و مقایسه اوضاع کشورشان با ملل پیشرفته، آمادگی جدایی از الگوها و رفتارهای سنتی را پیدا کرده و با آرزوی بازسازی کامل جامعه به این جنبش ها رو می آورند، عضو کانون های مختلف می شوند و نظم و هنجارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود را بر نمی تابند (هانتینگتون، 1370: 77-74)

هر چند امکان دارد جایگاه امنیت عمومی در ساختار جامعه به طور واضح روشن نشده باشد، اما یکی از مهم ترین نیازهای جامعه است و تأمین امنیت عمومی بر خلاف سایر شاخص های امنیتی ارتباط مستقیمی با توسعه دارد و

توسعه اقتصادی از طریق مدیریت صحیح منابع و امکانات جامعه میسر است و اگر این فرایند قرار است با بهترین حالت خود همراه باشد، باید تلاش نمود تا مدیریت توسعه جامعه در اختیار کار آفرینان قرار گیرد. بسیاری از اندیشمندان معتقدند جایگاه امنیت در سلسله مراتب نیازها و انگیزه های آدمیان، بسیار مهم است. مازلو در سال 1943 در بیان نظریه انگیزش، پس از نیازهای فیزیولوژیک مانند گرسنگی، تشنگی و غیره، بلافاصله نیاز ایمنی و امنیت را ذکر کرده است به نظر وی، تأمین و ارضای سالم این نیازهای بعدی، یعنی نیازهای اجتماعی و احترامی مانند ارج، منزلت و اعتبار، زمینه را برای سربرآوردن نیازهای متعالی تر و خودشکوفایی انسان فراهم می کند. مقوله امنیت عمومی بدون توجه به کار آفرینی نمی تواند استمرار داشته باشد هرچند کار آفرینی رویدادی اقتصادی است، اما تعامل آن با حوزه امنیت عمومی قابل چشم پوشی نیست. بر این اساس، کار آفرینی از سویی متأثر از نظام ارزشی، فرهنگی و هنجارهای جامعه است و شخصیت کار آفرینانه افراد به نوع فرهنگ پذیری آنان مربوط است. از سوی دیگر، سرمایه گذاری در نیروی انسانی عامل توسعه است که موجب گسترش امنیت عمومی می شود. در گذشته کارشناسان تصور می کردند عامل عمده عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه ناشی از کمبود سرمایه های مادی است؛ اما امروزه این حقیقت روشن است که تزریق مقادیر زیادی سرمایه فیزیکی در کشورهای در حال توسعه، لزوماً منتهی به تسریع رشد و توسعه نخواهد شد؛ مگر آن که این کشورها از یک سازمان و بنیان اداری کارآمد و نیروی انسانی متخصص و توسعه یافته برخوردار باشند تا بتوانند سرمایه های مادی را جذب و به طریق عقلایی و مولد بکار گیرند (Lenmann, 1979:14).

ب. سرمایه اجتماعی

در بخشی از مؤلفه های نظری، سرمایه اجتماعی به عنوان بخشی از نظریه کنش انسانی تلقی شده و در سطح تحلیلی خرد مورد بررسی قرار گرفته است. در این سطح واحد بررسی فرد یا حضور فرد در بنگاه و یا گروه در مقیاس کوچک می باشد. در سطح میانی، سازه سرمایه اجتماعی در قالب فرایندهای اجتماعی مورد واکاوی نظری و تجربی قرار گرفته است. در بخش دیگر، سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم برای مطالعه عملکرد نهادی و اقتصادی در سطح جمعی مورد استفاده قرار گرفته است. آنها مقیاس و سطح تحلیل را به سطح ملت ها یا مناطق تغییر داده اند. پژوهش گرانی چون پاتنام در سال 1993، فوکویاما در سال 1995 و اینگلهارت در سال 1997 که موضوع پژوهش آنها ملت ها یا مناطق اند، در این گروه قرار می گیرند. پاکستون در سال 1999 سطوح

مشابهی از ساختار اجتماعی را توصیف می کند که سرمایه اجتماعی ذاتی هر کدام از آنها می باشد. به نظر او در سطح فردی سرمایه اجتماعی یک کالای شخصی مانند سرمایه انسانی است که می تواند برای منفعت اقتصادی و یا دیگر نتایج شخصی مورد استفاده قرار گیرد. این نوع نگاه ارتباط نزدیکی با تحلیل سرمایه اجتماعی در سطح گروه دارد که اشاره به این ایده دارد که اعضای یک گروه به دلیل عضویت در گروه برخوردار از منفعت جمعی می شوند. پاکستون از سطح تحلیلی دیگری با عنوان سطح تحلیل کلان جامعه شناسی یاد می کند که در آن سرمایه اجتماعی به عنوان ویژگی یک اجتماع گسترده (جامعه) است. او معتقد است که در این سطح کشورها برخوردار از سطوح متفاوتی از سرمایه اجتماعی هستند که نتایج آن را در سطوح متفاوت توسعه و عملکرد اقتصادی می بینیم. پاتنام معتقد است در جامعه ای که از نعمت سرمایه اجتماعی چشمگیر برخوردار است، همکاری آسان تر است. از نظر وی سازمان اجتماعی ویژگی هایی دارد که هماهنگی و همکاری را برای منفعت متقابل آسان می سازد. این ویژگی ها به شرح زیر می باشد:

#### 1 ب. شبکه های رسمی و غیر رسمی ارتباطات و مبادلات

این شبکه ها در همه جوامع وجود دارند (اعم از مدرن و سنتی، اقتدارگرا و دموکراتیک، فئودالی یا سرمایه داری). این شبکه ها دو نوع اند: افقی و عمودی. در شبکه های افقی، شهروندان با قدرت و وضعیت برابر عضویت دارند، در حالی که در شبکه های عمودی، شهروندانی نابرابر از طریق روابط نابرابر مبتنی بر سلسله مراتب و وابستگی به هم پیوند دارند. کنش های افقی قوی در شبکه های مشارکت مدنی مانند انجمن های همسایگی، کانون های سرودخوانی، تعاونی ها، باشگاه های ورزشی و احزاب مردمی روی می دهند. از نظر پاتنام شبکه های مشارکت مدنی از شکل های ضروری سرمایه اجتماعی اند؛ هر چه این شبکه ها در جامعه ای متراکم تر باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در راستای منافع دو جانبه همکاری کنند (پاتنام، 1380: 296).

#### 2 ب. هنجارهای بده بستان متقابل

ویژگی دوم که پاتنام درباره سازمان اجتماعی نام می برد، هنجارهای بده بستان متقابل است که مهم ترین سودمندی آنها تقویت اعتماد، کاهش هزینه معاملات و آسان سازی همکاری است. او این هنجارها را از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی می داند. او می گوید گروه ها و جوامعی که بر آنها این هنجار حاکم است و از آن پیروی می کنند،

به شکل مؤثري بر فرصت طلبي و مشكلات جمعي فايق مي آيند (همان، 98).

### 3 ب. اعتماد اجتماعي

پاتنام اعتماد اجتماعي را ناشي از دو منبع هنجاري معامله متقابل و شبکه هاي مشارکت مدني مي داند. اعتماد، همکاري را تسهيل مي کند و هر چه سطح اعتماد در جامعه اي بالاتر باشد، احتمال همکاري هم بيشتر خواهد بود. همکاري نيز اعتماد را ايجاد مي کند. در نظر پاتنام، هر چه تعامل ميان افراد بيشتر باشد، آنها اطلاعات بيشتري درباره يکديگر به دست مي آورند و انگيزه هاي بيشتري براي اعتماد پيدا مي کنند. پاتنام منابع سرمايه اجتماعي را اعتماد، هنجارهاي بده بستان و شبکه هاي اجتماعي مي داند (غفاري، 1387: 27-7).

رفيع پور معتقد است؛ که يك همبستگي قوي و بسيار معني دار بين متغيرهاي اصلي شرايط ناگوار اجتماعي، يعني قابليت تحمل وضع، دستيابي به اهداف و اميد به آينده از يك طرف و متغيرهاي اعتماد اجتماعي و ملاحظات اجتماعي با رفتار آنوميک وجود دارد. يعني در شرايطي که نيازهاي مردم بيش از سطح درآمدشان باشد و وضعيت براي مردم قابل تحمل نباشد و به اهدافشان نرسند و اميدي به آينده نداشته باشند، اعتماد اجتماعي نسبت به مسئولين و بين خود مردم کاهش مي يابد و تحت چنين شرايطي بديهي است که تمايل به پيروي از هنجارها بخصوص هنجارهاي رسمي که انسان نسبت به آنها احساس فشار بيروني مي کند، کاهش مي يابد (بيات، 1387: 44).

اسلام نيز با آموزه ها، فلسفه اخلاق و مناسک خود مي تواند گستره عظيمي از مسلمانان را فراهم آورد که براساس اصل اخوت و برادري، شبکه هاي اعتماد فراوان به وجود آورند. برادري و تقوا مي توانند اساسي مناسب براي اعتماد ميان مسلمانان و بنياني مستحکم براي گسترش اين اعتماد بين همه بشريت و تقويت شبکه اجتماعي بين آنها باشند. با تشويق به علم، درستکاري، کمک به ديگران، محترم شمردن قراردادهاي اجتماعي، صداقت، امانتداری، و با مذموم و ناپسند دانستن دروغ، خيانت، تجاوز به حقوق ديگران، و عمل به ديگر ارزش هاي ديني، اسلام و تشيع مي تواند بستري مناسب براي ايجاد سرمايه انساني، اجتماعي و معنوي باشند.

### ج. هنجارها و نهادهاي اجتماعي

#### 1-ج. هنجارهاي اجتماعي

نظم و تغییر دو روی یک سکه اند. همچنین باید گفت نه هر  
 نظم ضرورتاً مطلوب است و نه هر تغییری نامطلوب. همانطور  
 که نظم اجتماعی می تواند اشکال و آرایش های بسیار  
 گوناگون و متنوعی به خود بگیرد، تغییرات اجتماعی نیز  
 می تواند صور بی شماری را اختیار کند.

دورکیم می گوید واقعیات اجتماعی خارج از شعور فردی وجود  
 دارند. بطور مثال تعهدات مدنی، خانوادگی و میثاقی، همگی  
 خارج از فرد در قانون، آداب و رسوم، اعمال و باورها  
 تعریف می شوند. واقعیات اجتماعی نسبت به افراد خارجی  
 هستند.

لوکی می گوید واقعیات اجتماعی هم خارجی است و هم داخلی  
 . هنجارهای اجتماعی تا جایی که توسط فرد درونی شده باشد  
 داخلی است و تا جایی که از فرد گذشته و به صورت فرهنگی  
 به بنیه منتقل شده بیرونی است.

یکی از مقتضیات اساسی نظم جامعه ای وحدت نمادی  
 است. احساسات و نگاه مشترک جامعه به نمادهای اساسی  
 مانند زبان، پرچم، قهرمانان، ضرب المثلها و... نقش  
 موثری در ثبات جامعه دارد. نارسایی در نمادها و ضعف در  
 احساسات و پنداشت های مشترک در سطح جامعه نسبت به آنها  
 میتواند موجب اختلال در نظم جامعه گردد.  
 افزایش تعهد به هنجارهای جامعه موجب تقسیم کار اجتماعی  
 و توسعه اجتماعی می شود. هنجارهای اجتماعی به عنوان  
 قاعده زیربنایی، به دنبال بسط و تر اکم تعاملات اجتماعی  
 به وجود می آیند. به بیان دیگر در اثر تراکم، بسط و تداوم  
 تعاملات اجتماعی، حریم اجتماعی، پیوند اجتماعی و اجتماع  
 بوجود می آیند و با ظهور اجتماع، هم زمان هنجار اجتماعی  
 به عنوان چسبنده ترین عنصر اجتماعی ظاهر می شود.  
 بنابراین اختلال و نابسامانی در هنجارهای جامعه یکی از  
 اساسی ترین مولفه های بی نظمی اجتماعی و نا امنی عمومی  
 قلمداد می شود. (مومنی و عساریان نژاد، 1390 : 125)

## 2 ج. خانواده

خانواده نخستین و مهم ترین کانون تربیت کودک و موفق  
 ترین کارگاه انسان سازی است و بیشترین دانسته ها و  
 تجارب، فرهنگ و تمدن، اخلاق و اندیشه از این کانال به  
 کودک منتقل می شود. عوامل خانوادگی که به جامعه پذیری و  
 روابط عاطفی اعضای خانواده، کنترل خانوادگی، همانند  
 سازی فرزندان با والدین و گسیختگی خانواده و سایر ویژگی  
 های خانواده ارجاع داده می شود، نقش مؤثری در ایجاد  
 رفتار بزهکارانه در میان جوانان دارد.

یکی از صاحب‌نظرانی که بر نقش و اهمیت خانواده در بروز بزهکاری تأکید فراوانی داشته است ویلیام گود است. وی با بهره‌گیری از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین آژانس اجتماعی‌کننده ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش‌یافته و آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کجرو دخیل می‌داند.

هارلوک که از دیگر نظریه‌پردازان در زمینه نقش خانواده در بروز بزهکاری است، منشا نابهنجاری را در محیط فامیلی و در ساختارهای خانوادگی جستجو می‌کند و آن را معلول نحوه تربیت، مکانیسم‌های جامعه‌پذیری خانواده، چگونگی و کیفیت رشد شخصیت کودک در خانواده می‌داند (بیات و همکاران، 1387: 100).

جامعه‌شناسان همه تأیید می‌کنند که خانواده یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهایی است که به رشد کودک یاری می‌دهد. در درون خانواده است که کودک اولین چشم‌انداز را از جهان پیرامون خود به دست می‌آورد و احساس وجود می‌کند، یعنی می‌آموزد که چگونه غذا بخورد، معاشرت کند، محبت و احترام بورزد و مورد قبول واقع شود (پارسا، 1376: 76). سیخستگی خانوادگی یکی از عوامل مهم در تولید رفتار بزهکارانه است، زیرا هنگامی که فرزندان والدین خود را در اثر طلاق از دست می‌دهند همچنین مراقبت، سرپرستی و کنترل و راهنمایی‌های آنان را نیز از دست خواهند داد. گسیختگی خانوادگی فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان را با مشکل مواجه خواهد ساخت زیرا خانواده‌های تک‌والدی قادر نیستند الگوهای مناسبی برای فرزندان باشند. بی‌ثباتی در نظام خانواده موجب روابط ضعیف فرزندان با پدر و مادر گردیده و زمینه برای رفتار بزهکارانه در فرزندان آماده می‌سازد. به نظر گود هنگامی که چندتن از اعضای خانواده نتوانند وظایف و نقش خود را به‌طور مناسب و شایسته ای انجام دهند، گسیختگی خانوادگی بوجود می‌آید.

### 3-ج. مدرسه

مدرسه یکی از نهادهای اجتماعی است که بعد از خانواده، نقش مهمی در زندگی اجتماعی کودک، نوجوان و جوان به عهده دارد. زیرا دانش‌آموز بیشتر وقت زنده و فعال خود را در مدرسه می‌گذارند، موقعیت و برنامه‌های مدرسه اثر مهمی در علاقه مندی و یا فرار جوان از مدرسه دارد. معمولاً جوان

اولین قدم خویش را به طرف عالم بزهکاری با فرار از مدرسه بر می دارد. گاه مدارس موقعیت های ناسالم و نامطلوبی برای جوان ایجاد می کنند (بیات و همکاران، 1387: 102). در بعضی از مدارس نامناسب بودن برنامه، محیط سرد و غم آور، نبود معلمان ورزیده و تعلیم دیده، عدم توجه و علاقه به وضع دانش آموزان، شلوغ و پرجمعیت کلاس ها، انبوه وظایف و تکالیف و عدم فرصت کافی برای معلمان به منظور رسیدگی به مشکلات دانش آموزانی که در مورد وضع تحصیلی، اجتماعی یا شخصی خود نیاز به کمک دارند، سبب می شود که این قبیل دانش آموزان به محض ایجاد شرایط لازم و یا بهره گیری از شیوه جبرانی به رفتار بزهکارانه روی آورده از این طریق تا حدودی جلب توجه و احساس موفقیت کنند. بدین جهت تاثیر مدرسه به عنوان یک عامل اجتماعی در پیدایش بزهکاری بر حسب پدیده جامعه پذیری قابل تبیین است (پوریانی، 1382: 10). ناتوانی نظام آموزشی در درونی کردن نظام آموزشی و هنجاری جامعه در فرد یا القای ارزش ها و هنجارهای مطرود جامعه توسط آموزگاران ناهمنوا، فراهم آوردن زمینه عضویت دانش آموز در گروه های ناهمنوا و بویژه گروه همسالان در این محیط، فراهم نمودن زمینه اختلالات روانی فرد در اثر رفتارهای ناصحیح اولیای مدرسه، انگ بزهکار خوردن فرد و اثر پیشداوری های آموزگاران یا دانش آموزان و ... از جمله مواردی است که در این زمینه تضمین کننده هستند. تعلقات خاطر جوانان نسبت به مدرسه به عنوان یکی از کارگزاران اصلی جامعه پذیری و مشارکت آنان در فعالیت های مدرسه، می توان در جلوگیری از بزهکاری جوانان موثر باشد.

## 2- عوامل سیاسی

### الف. مشروعیت

مشروعیت مقدار قابل توجهی از اراده، روحیه و شخصیت ملی را معین می نماید و شکل دهنده کلیه سطوح مدیریت امنیتی می باشد. از سوی دیگر این عامل مشروعیت است که محتوای نظام سیاسی را شکل می دهد. همچنین قدرت رهبری کارآمد و تصور مردم از مناسب بودن راهبرد ملی و یکپارچگی اجتماعی و فرهنگی از میزان مشروعیتی ناشی می شود که دولت یا رژیم حاکم از آن بهره مند می باشد و این امر تمام سطوح امنیتی از جمله امنیت عمومی را تحت تاثیر خود قرار می دهد.

### ب. یکپارچگی و انسجام سیاسی

چند پارگی و تشتت و تبدیل يك ملت- دولت به گروه هاي قومي متعدد باعث تضعیف امنیت در جهان سوم شده است. از نظر آنها ناتواني در بازتولید ارزشها و هنجارهاي مشترك از يك سو و وجود هويت هاي مختلف و تقریباً مستقل در يك جامعه سياسي واحد که منجر به صدمه دیدن یکپارچگی سياسي مي شود از سوي ديگر در امنیت ملي نقش مهمي دارد. زیرا منجر به زمینه سازی فعالیت هاي سياسي گروه هاي قومي و شکل گیری جنبش هاي تجزیه طلب و خود مختار خواهد گردید و در نهایت با افزایش تهدیدات امنیت ملي، ناامني داخلي را دامن خواهد زد و به تبع آن حوزه امنیت عمومي را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد.

ج . توان سياسي

توان سياسي شامل، طراحی، تنظیم و اجرای سياست هاي امنیت ملي است و علاوه بر آن ارزیابی تهدید، تصمیم گیری ها، بیان و اجرای سياست ها، بسیج و تخصیص منابع جملگی در قلمرو توان سياسي جای می گیرد و در نهایت می توان توان سياسي را حاصل پیوند میان محیط امنیتی، سخت افزار و وضعیت کلي امنیت دانست (عبداله خانی؛ 1383: 161-183). توجه به رویکردهای نرم افزاری در حوزه امنیت عمومي از سياسي شدن و سپس امنیتی شدن پدیده هاي اجتماعی می کاهد. به عبارت دیگر هر قدر یک کشور از توان سياسي بالایی برخوردار باشد می تواند از سياسي شدن پدیده اجتماعی در حوزه امنیت عمومي جلوگیری نماید.

### 3- عوامل اقتصادي

ایجاد سامان اقتصادي و رونق کسب و کار از آن حیث که به برآورده شدن نیازمندیهاي معیشتي مردم منجر می شود و به تبع آن در کاهش آسیب هاي اجتماعی موثر می باشد، از پایه هاي اصلي و عمده در حوزه امنیت عمومي می باشد. این واقعیت که نا کارآمدی اقتصادي، فقر و شکاف هاي اجتماعی را تشدید می نماید و منجر به بروز نا آرامي و نارضایتي در درون جامعه می گردد از جایگاه خطیر اقتصاد در حوزه امنیت عمومي و انتظامي ملي حکایت دارد. فراهم آوردن رفاه و اسباب آسایش شهروندان از ویژگی هاي بارز يك نظام سياسي کارآمد به حساب می آید و به همین خاطر است که نظام هاي اقتصادي نا سالم همیشه دستخوش تغییر و تحول بوده و نظم ثابتي در آنها قابل مشاهده نیست. اقتصاد اسلامي با ویژگی هاي خاص خود می تواند عامل موثري در تأمین معیشت و رفاه مردم و ایجاد احساس آرامش و امنیت برای مردم جامعه باشد. از اصول مهم اقتصاد در جامعه



اسلامی، عدالت، استقلال اقتصادی، مبارزه با سرمایه داری، پرهیز از راحت طلبی، ساده زیستی و تعاون می باشد.

الف. عدالت

اقتصاد بر پایه عدالت یا نظم بخشیدن به جریان سرمایه در درون جامعه، نوعی رضایت عمومی ایجاد می کند که ناشی از نبود فساد اقتصادی در درون جامعه می باشد. عدالت منجر به فعال شدن نیروهای بالقوه درون جامعه و ورود آنها به عرصه سازندگی می شود. در رابطه با اصل ساده زیستی حضرت امام (ره) مبنای بسیاری از انحرافها در حکومت و سیاست اسلامی را، دور شدن رهبران و مردمان از اصل ساده زیستی و گرایش آنها به تجملات می دانند. تجمل گرایی مردم به ویژه زمامداران باعث بروز نارضایتی و بی نظمی در جامعه می شود. تجمل گرایی زمامداران مردم را نیز زیاده خواه می نماید و توان ملی از پاسخ گویی به خواست شهروندان عاجز می گردد. عجز اقتصادی در آغاز تنش های خطرناکی است که می تواند امنیت عمومی و کل نظام را دچار تهدید نماید.

ب. فقر

فقر مسئله ای اجتماعی و معضلی تاریخی است که در اکثر جوامع و تمامی اعصار وجود داشته است. فقر عاملی است که روابط عاطفی والدین و فرزندان را متلاشی، روح پاک انسانی را نابود، کودکان معصوم را محکوم به مرگ و عقب ماندگی و زندگی خانوادگی را مبدل به تلخ ترین جولانگاه مبارزه برای کسب معاش می کند، فقر حالت و شرایطی است که در آن فرد قادر به تأمین نیاز های اساسی زندگی خود نیست و در نتیجه قوای جسمی و روحی او به تدریج مختل می شود و از پا می افتد، فقر دارای ابعاد مختلفی از قبیل: اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی و ... است از دیگر جنبه های فقر می توان به فقر شهری و روستایی اشاره کرد (رحیمی، 1380: 216). فقر بر روی تندرستی، چگونگی فرهنگ خانواده و امکانات تحصیلی اثر می گذارد. مقدم بر همه فقر مانع می شود که فرد به عنوان عضو فعال جامعه وظیفه فردی خود را نسبت به جامعه انجام داده و از حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بهره مند شود (همان، 201).

اسلام از فقر به عنوان عاملی برای ورود به دایره کفر یاد کرده است. مهم ترین اثر فقر در عرصه های گوناگون این است آزادی اراده انسان را در برخورد با پدیده های گوناگون و انتخاب احسن تحت تأثیر شدید قرار می دهد و موجب می شود که چنین افرادی دیگر به معنای واقعی انتخاب گر نباشند. و کاملاً هیجانی و غیر قابل پیش بینی باشند. در این خصوص منظور از فقر مادی پایین بودن سطح زندگی و منظور از فقر معنوی عدم ارضای نیازهای معنوی

اعم از عاطفي، فرهنگي و ... است. فقر عوارض و پیامدهاي چون کوتاهي دوران کودكي، محروميت کودکان از حمايت هاي لازم، شروع روابط جنسي در سنين پايين و ترك زن و فرزند از سوي سرپرست خانوار را به دنبال دارد. در سطح فردي نيز احساس بي ار جي، در ماندگي، اتكاي بيش از حد به ديگران، كم شمردن خود و ... بروز مي كند.

اقتصاد خانواده يكي از عواملي است كه منجر به بزه كاري و جرايم مي شود. اكثر نوجوانان فقير در زاغه ها و يا اتاق هاي مخروبه زندگي مي كنند و شرايط محيطي آنان بسيار نامساعد و غير بهداشتي است. بيكاري، ولگردي و گدايي ناشي از فقر خانواده است و از عوامل موثر در انحراف اخلاقي نوجوانان مي باشد. تأثير فقر در سلامت جسماني و كيفيت فرهنگي و زندگي خانوادگي و فرصت تحصيلي نيز غير قابل ترديد مي باشد كه به نوبه خود از ميزان مشاركت هاي اجتماعي مي كاهد (فرجاد، 1371: 118).

رابطه فقر و جرم و جنايت رابطه ساده اي نيست. فقر به تنهائي يك متغير تضمين كننده نيست. فقر و محدوديتهاي ناشي از آن به تنهائي ميزان جرم را بالا نمي برد. تنها هنگامي فقر و محروميت ناشي از آن جرم زا مي شود كه افراد فقير شيفته رسيدن به ارزش هاي فرهنگي مورد تأييد اعضاي جامعه باشند و براي رسيدن به آن با كساني وارد رقابت شوند كه فرصت هاي مشروع را به ميزان بيشتر در اختيار دارند. در چنين شرايطي رفتار ضد اجتماعي آنان طبيعي خواهد بود. براي آن كه ميزان جرم بالا رود وجود فقر و محروميت هاي ناشي از آن ضروري و لازم است. وجود ارزش هاي خاص كه همه افراد از جمله گروه هاي فقير به شدت طلب كنند، نيز ضروري است (بيات و همكاران، 1387: 104).

ج . بيكاري

از ديگر عوامل اجتماعي زمينه ساز در ظهور بزهكاري، بيكاري است. اين عامل را از جهت تأثير در روند بزهكاري به دو لحاظ مي توان مورد بررسي قرار داد. از بعد اقتصادي اكثر بيكاران را كساني تشكيل مي دهند كه مشكل مالي يا تأمين معاش دارند از اين رو دست به ارتكاب جرائم مي زنند. بيكاري به عنوان شاخص بحران هاي اقتصادي، در مطالعات جرم شناسي همواره مطرح است (ابرنند آبادي، 1377: 225). از نظر آسيب شناسان اجتماعي، بيكاري و فقر مي تواند عامل عمده اي در پيدايش نابساماني هاي رفتاري و رواني و در نتيجه بالا رفتن انواع كج روي هاي اجتماعي به خصوص اعتياد به مواد مخدر و حتي خودكشي باشد.

د . تامین و رفاه اجتماعی و احساس امنیت

بنتام رفاه را مترادف بهره مندی یا مطلوبیتی می داند که به مثابه خیر و خوشبختی است بنابراین آن را قابل اندازه گیری تعریف می کند. پیکو بهزیستی را به آمال و آرزوها ارتباط می دهد بنابراین دسترسی و تملک شيء، موجب بالا رفتن سطح رفاه و بهزیستی فرد می شود. پاره تو بر این نظر است که جامعه ای که قادر باشد دست کم وضع زندگی یکی از آحاد خود را بهتر سازد مشروط بر آنکه وضع هیچ کس بر اثر این کار بدتر نشود، می تواند به عنوان جامعه ای که در جریان بهبود شرایط رفاهی خویش است، توصیف شود. راولز معتقد است؛ جامعه ای که توزیع مناسب در آن عادلانه باشد، وضعیت رفاهی بهتری از جامعه ای دارد که منابع آن به شکل عادلانه توزیع نمی شود و توزیع عادلانه به این معناست که برای محروم ترین افراد مطلوب باشد. بدین ترتیب رفاه اجتماعی مستلزم حذف نابرابری های غیرعادلانه و نه حذف صرف نابرابری می باشد.

تأمین و رفاه اجتماعی با مکانیزمهای زیر تامین می شود:

-تأمین اجتماعی با ابعاد بیمه ای

-حمایت اجتماعی : شامل پرداخت های انتقالی، سوبسیدها و پرداخت های مستقیم که به وسیله سازمانها و ارگان هایی چون کمیته امداد، سازمان بهزیستی و بعد امدادی همچون هلال احمر انجام می شود.

-امنیت اقتصادی شامل شاخص هایی چون : اشتغال، ازدواج و مسکن

-امید به زندگی و احساس رضایت از سطح زندگی که در حوزه اختلاف ها و فاصله های طبقاتی مطرح می شود که عدالت اجتماعی اهمیت می یابد. (بیات، 1387: 62) .

ارتباط تأمین اجتماعی با احساس امنیت:

-هر چه نظام تامین اجتماعی که متشکل از سه رکن بیمه ای، حمایتی و امدادی است که کارآمدتر باشد، تداوم حداقل نیازهای زندگی اجتماعی تضمین می شود و این تضمین باعث ایجاد آرامش خاطر نسبت به تداوم شرایط رضایت بخش موجود می شود.

-هر چه امنیت اقتصادی شهروندان به ویژه در زمینه اشتغال و مسکن افزایش یابد، دغدغه های تامین نیازهای ضروری برطرف می شود و این مساله باعث اطمینان خاطر نسبت به آینده می شود.

- هر چه کیفیت محیط زیست و بهداشت شهروندان ارتقاء یابد شرایط زندگی مطلوب و با کیفیت ایجاد می شود و باعث آرامش خاطر نسبت به تداوم شرایط رضایت بخش در آینده می شود.

- هر چه امید به زندگی و احساس رضایت از سطح زندگی افزایش یابد فضای زیست اجتماعی توأم با آرامش خاطر و اطمینان بنیادین خواهد شد.

- هر چه نظام تامین اجتماعی کارآمدتر باشد، پیشگیری از آسیب ها و مقابله و درمان آنها بهبود می یابد و این مساله باعث رفع دغدغه و نگرانی افراد نسبت به تهدیدات و آسیب ها می شود.

#### 4 عوامل فرهنگی

در رویکرد اسلامی کلیه تحولات از حوزه فرهنگ ناشی می شود. بنابراین برای ایجاد يك انتظام ملي مستحکم در درون جامعه باید مبانی فرهنگی آن را لحاظ نمود. در این باور حضرت امام (ره) می فرماید «راه اصلاح يك مملکت، فرهنگ آن مملکت است، اصلاح باید از فرهنگ شروع شود.» (امام (ره)، 1343).

#### الف. نقش دین و مذهب

بنای تربیت جوامع بشري هرچند که علمی باشد، مادام که متکی به ایمان الهی نباشد، دشواری ها و مشکلاتی را پدید می آورد. انسان برای رسیدن به يك زندگی آرام نیاز به مذهب دارد. دین در یکپارچه سازی انسانی و سالم سازی جوامع نقش بسزایی دارد. عده ای از متخصصان روانشناسی شخصیت از جمله: اهلرانگر، یونگر، ویکتورفرانگل، آلپورت و... بر این باورند که دین و ارزش های ناشی از آن بیش از هر عامل دیگری در یکپارچگی شخصیت و معنی دادن به شخصیت فرد مؤثرند، در حالی که نظام های ارزشی دیگر فقط قادرند يك بعد و یا جنبه هایی از زندگی فرد را يك پارچه نمایند و جنبه های دیگر را نادیده می گیرند.

تمام مفاسد فردي و اجتماعی از بی دینی است. اگر به زندان ها سر بزنییم درخواهیم یافت که تقریباً 98 درصد بزهکاران و جنایت کاران کسانی هستند که اعتقاد ضعیفی دارند. کسانی که پایبند به دین هستند، کمتر پایشان به

مراکز انتظامی، دادگاه و زندان ها کشیده می شود. پس دین در سالم سازی محیط اجتماعی نقش مؤثری دارد. دینداری دارای آثار و فواید عظیمی در حیات فردی و اجتماعی است. دنیای امروز علیرغم پیشرفت های حیرت انگیزی که در زمینه ارتباطات و تکنولوژی، توسعه علمی و اقتصادی و... در آن صورت گرفته نه تنها امنیت و آرامش روحی و روانی را به ارمغان نیاورده است، بلکه بر رفتارهای روانی، روحی، ترس، احساس ناامنی و اضطراب نیز افزوده است. دین می تواند عامل کنترل اضطرابها و احساس ناامنی ها و وسیله ای برای ایجاد آرامش باشد. در عصر حاضر بسیاری از انحرافات، لغزش ها، شکست ها و نابودی ملت ها و... به دلیل غوطه ور شدن انسان در منجلاب گناه و شهوات و غرایز نفسانی بوده است (کی نیا، 1375: 259-361).

دین به سه خصیصه، یعنی درونی ساختن تعلیمات، ارائه تصویر دل انگیز و آرام بخش از آفرینش و هستی و طرح و معرفی الگوهای موفق تا حدی به پیروان خود مصونیت می بخشد. کسانی که به بزه های اجتماعی دست می یازند اغلب نگاه مثبتی به جامعه خود و گاه به کلیت آفرینش ندارند و نظامات اجتماعی و گاه نظامات هستی را ناسالم و منحرف پرور تلقی می کنند و می پندارند که از مسیر درست و روال طبیعی نمی توانند به آنچه حقشان است دست یابند. دین و دینداری همواره نقش مثبت در برقراری امنیت اجتماعی در جامعه داشته است.

ب. باورها و ارزش ها

ارزش ها به مثابه سلول های حیاتی تشکیل دهنده منظومه هویتی فرد و اجتماع نقش قابل توجهی در انگیزش های، هنجارها، کنش ها و رفتارهای کنش گران در عرصه اجتماعی دارد. امام علی (ع) می فرمایند که ارزش آدمی به چیزی است که آن را نیکو انجام می دهد.

کار ویژه ارزش ها: کارکردها و کار ویژه های ارزش ها دارای ابعاد گسترده ای می باشد از جمله:

۱- ارزش ها منشا هنجارها: هنجارهای مورد وثوق و اعتماد و عمل در سطح يك اجتماع ناشی از ارزش ها و نظام های ارزشی و اخلاقی مورد پذیرش جامعه است و رابطه ای که میان ارزش ها و هنجارها وجود دارد.

۲- ارزش ها به مثابه سلول های حیات فرهنگی: ارزش ها می توانند جزئی از فرهنگ تلقی گردیده و یا حتی به واسطه مطلوبیت ویژه آن، که مورد تقاضای اجزا و ابعاد دیگر تشکیل فرهنگ نیز می باشد.

۴- ارزش به مثابه هسته های بنیادین هویت: ارزش به عنوان سلول ها و هسته های مورد طلب و پذیرش فرد و اجتماع در تکوین نوع و چگونگی هویت فردی و اجتماعی نقش محوری را دارا می باشد.

۴- ارزش ها و باورها: باورها به مثابه یکی از اجزا بنیادین فرهنگ، مسئولیت پاسخگویی به سئوال اساسی، چه هست ها و چه نیست ها در زندگی اجتماعی انسان را عهده دار هستند (چلبی، 1375: 57).

۴- ارزش ها و نهادها: ارزش ها نقش بسزایی در چگونگی و کیفیت کنش و رفتارهای انسان ها را ایفا می کنند و نقش نهادها که از عناصر اساسی تشکیل دهنده فرهنگ به شمار می روند نیز قابل توجه است.

#### ج . آموزش

توجه به آموزش در جامعه (برنامه، تخصیص منابع، کیفیت نیروی انسانی و...) از اهمیت ویژه ای در حوزه امنیت عمومی دارد. جامعه پذیری از پدیده های مهم در حوزه آموزش می باشد، جامعه پذیری به فرد هویت جمعی داده و او را از حالت فرد خارج کرده و احساس اشتراک و هدف مشترک را جایگزین می کند. فرد جامعه پذیر بصورت اقناعی، پذیرش مصلحت جامعه را بر خود ترجیح می دهد و حقوق اجتماعی را بر حقوق فردی مهم می شمارد. احترام به قانون نشانه جامعه پذیری است. آموزش مهم ترین مکانیزم و روش است. در امر آموزش توجه به آموزش پایه و عمومی باید اصل و محور باشد. بیشترین منابع و بهترین سرمایه های انسانی باید به بخش آموزش و ابتدایی تخصیص داده شود. جامعه پذیری باید در سطح ابتدایی و سنین کودکی آموزش داده شود. در سنین بالاتر افراد جامعه پذیر شده و اثربخشی آموزش کاهش می یابد. باورها، ارزش ها، اعتقادات، سمبل ها، نهادها و دیگر مفاهیم در حوزه فرهنگ عمومی باید در سطوح ابتدایی آموزش داده شود.

#### د . اطلاع رسانی (رسانه)

رسانه ها سپهر اطلاعاتی هر جامعه ای را در بردارند و دانستنی های اعضای آن را رقم می زنند رسانه ها (دی داری، شنیداری، دیداری شنیداری) کارکرد امنیت سازی دارند و نقش موثری در تولید، حفظ و ارتقا امنیت در سطوح مختلف بخصوص امنیت عمومی ایفا می کنند. ضمن اینکه چنانچه رسانه ها نقش مفید و موثر خود را ایفا نمایند و یا تبدیل به ابزار اخلاق در امنیت شوند می توانند در فضای اطلاعاتی جامعه را آلوده، مبهم و تاریکی نمایند و باعث روال و فروپاشی امنیت و آرامش ذهنی و روانی بشوند.

رسانه های دیداری و نوشتاری خود سازنده و شکل دهنده (وجدان جمعی) در هر جامعه اند و در این راستا نفوذ معنوی رسانه ها آن چنان نیرومند است که خود از پایه های پیدایی فرهنگ ملی دانسته می شود. اما میزان نقش و تاثیر رسانه ها در ایجاد وجدان جمعی متفاوت است در جوامع غیر عقلانی و سنتی فرهنگ شفاهی بر آن چیرگی دارد، نقش رسانه های دیداری که خود تداوم بخش صورتهای کهن ترین منابع آفرینش معرفت و آگاهی چون افسانه ها و ترانه ها تلقی می گردد، عمده تر از جوامع عقلایی مدرن است که فرهنگ مکتوب در آن پایه گزینش و پویش اعضای جامعه تلقی می شود. و در مقابل نقش رسانه های ارتباط جمعی در ایجاد ناامنی اجتماعی بدان جهت است که به گفته هربرت شیلرگردانندگان رسانه های گروهی برای سرپوش گذاشتن بر فریب دهی و دستکاری فکری مخاطبان خود، که به طور نامرئی انجام می شود، بر اصل بی طرفی روزنامه نگاران تکیه می کند و بدین ترتیب واقعیت های قلب شده را بعنوان رویدادهای عینی ارائه می دهند در حالیکه در واقع، به علت تعارض های اجتماعی و منافع طبقاتی امکان عینی گرایی وجود ندارد.

رسانه های جمعی مانند سینما و تلویزیون به صورت دیداری و شنیداری در القای الگوهای رفتاری بسیار مهم اند. رسانه های جمعی بعنوان یکی از عوامل «اجتماعی شدن» افراد با برنامه های خود می توانند سطح آگاهی را بالا ببرند و الگوهای متناسب را ارزش های جامعه را تبلیغ کنند ولی به نمایش گذاشتن الگوی رفتاری خشونت بار یا خدعه آمیز مثلاً فیلم های تبهکاری، در عمل آموزگار رفتاری منفی بوده است، در نظریه افتراقی ساترلند یادگیری اعمال خلاف در کنش متقابل مورد بحث قرار گرفت و در اینجا، فیلم و تلویزیون با انسان رابطه و کنش برقرار می کند، و گاهی این اعمال خلاف از طریق رسانه های دولتی به دیگران آموزش داده می شود در قبال این انتقاد طرفداران برنامه های رسانه های جمعی معتقد هستند که نمایش اینگونه فیلم ها جنبه عبرت آمیز و آموزش های مثبت را به همراه داشته و برای جامعه در مقابل عمل خلاف و بزهکاری مصونیت بوجود می آورد.

## 5- عوامل انتظامی

جرایم، تخلفات و آسیب های اجتماعی که بر امنیت عمومی تأثیرگذار می باشند از فراوانی و تنوع برخوردار می باشد. فراوانی و کیفیت این پدیده ها می تواند تأثیر منفی بر امنیت عمومی گذاشته و موجب تشدید نام نی گردد و مهار و کاهش آنها نیز موجب ارتقا امنیت عمومی خواهد گردید.

متناسب با تعریف عملیاتی از امنیت عمومی در این پژوهش ، به بعضی مصادیق جرایم و آسیب های امنیت عمومی که عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی و ... می توانند تشدید کننده یا تعدیل کننده باشند، اشاره می شود

الف . انضباط اجتماعی

نظم، مفهوم اجتناب ناپذیری برای بحث درباره پدیده‌های پیچیده است و همان نقشی را به عهده دارد که مفهوم قانون در تجزیه و تحلیل پدیده‌های ساده تر دارد ایفا می کند. کلمه نظم در علوم اجتماعی تاریخی طولانی دارد ؛ اما در دوران اخیر به علت ابهام موجود در معنای آن و به خاطر اینکه این کلمه دیدگاه های اقتدارگرایانه را تداعی می کند، عموماً از به کار بردن آن اجتناب می شود با این همه ما نمی توانیم از آن صرف نظر کنیم و آن را نادیده بگیریم . به دلیل موقعیت ممتاز و نقش انکارناپذیر آن در توسعه و ثبات اجتماعی و سیاسی کشورها، یکی از دغدغه های اصلی جامعه شناسان و متفکران است . نظم اجتماعی از موضوع های اساسی جامعه شناسی است . این موضوع از زمان پیدایش اولین سرچشمه های تفکر اجتماعی، همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است.

1-الف . تبیین جامعه شناختی نظم و امنیت

نظم و امنیت اجتماعی در مطالعات اولیه جامعه شناسی بیشتر از منظر ایدئولوژیک نگریسته می شود تا از منظر معرفت شناختی و مسئله محوری، به عبارت دیگر قبل از آن که به جایگاه و منزلت علمی نظم و امنیت توجه شود از منزلت سیاسی و ایدئولوژیک به آن نگریسته می شد. به این دلیل برخی از جامعه شناسان به ویژه مارکسیستها که سودای تغییرات بنیادی در سر داشتند به مفهوم نظم و امنیت توجهی نداشته و یا در صدد نفی نظم موجود و ارائه جایگزین ایدئولوژیک بودند که در بستر نظام سوسیالیستی قابل تحقق بود. به این ترتیب مفهوم نظم و امنیت در کار این جامعه شناسان مفهوم ثانویه بوده نه یک مفهوم ژنریک و اولیه برخی دیگر از جامعه شناسان مانند پارسونز نظم و امنیت را به مفهوم هنجارها تقلیل داده و نگرش تحول گرایانه به آن داشتند و عده دیگر نیز آن را به مقوله فردی و شخصی تقلیل دادند (چلبی، 1382: 32)؛ و در نهایت برخی از جامعه شناسان که از عواقب انقلاب فرانسه و نتایج آن ترسیده بودند جهت گیری محافظه کارانه پیدا کرده (نظیر دور کیم و کنت) و خواهان حفظ نظم موجود بودند که به نوعی دفاع از نظام موجود و مشروعیت بخشی به آن است لذا کماکان مقوله نظم و امنیت بیش از آن که مقوله محوری باشد تنها در راستای حفظ مشروعیت نظام مورد بررسی قرار گرفت (ریترز، 1374: 21) .



دورکیم با مطرح کردن همبستگی مکانیک و ارگانیک در رابطه با جوامع سنتی و مدرن معتقد است: در همبستگی مکانیکی که بر پایه همانندی افراد جامعه استوار است کنترل اجتماعی و امنیت بخشی، بر پایه فرامین و احساسات مشترک (وجدان جمعی)، حقوق تنبیهی (هر جرم مساوی با مجازات) و عرف سنت بوده ولی در همبستگی ارگانیک که بر پایه تقسیم کار است نظم و امنیت به وسیله نظام قراردادهای، حقوق ترمیمی (اصلاح مجرم و قانون)، نظام های رسمی، قواعد مدنی و شهروندی اعمال می شود. اما آن چه در این میان حائز اهمیت است این است که غالب نظریه پردازان کلاسیک و مدرن در تحلیل های خود از نظم و امنیت دچار دوگانگی شده و اغلب مکانیزمهای سنتی کنترل اجتماعی را که مبتنی بر محله گرایی، خانواده گرایی، عرف و سنت ها و روابط «مایی» بوده به کنار گذاشته و به دنبال مکانیزمهای رسمی، قانونی، جامعه گرایی و روابط «آنهايي» بوده اند که در يك نظام دیوانی، متمرکز و حرفه گرایی تحقق می یابد. در واقع می توان گفت که امروزه نظریات جامعه شناسی دچار نوعی رفت و برگشتی شده اند یعنی با حفظ بخشی از مکانیزمهای کنترل اجتماعی از شیوه های سنتی نیز استفاده می نمایند (علی نژاد، 1386: 95-113).

## 2-الف. نظریه انتخاب عقلانی و امنیت عمومی

تئوری انتخاب عقلانی بر این فرض استوار است که رفتار و کنش آدمیان هدفمند، سنجیده و حسابگراییانه بوده و آدمها در چند راهیها، راهی را که با اغراض و آرزوهایشان موافق باشد انتخاب می کنند و برای رفتن در هر راهی محاسبه سود و زیان کرده و پس از بررسی ادله های موافق و مخالف دست به انتخاب می زنند. لذا این نظریه در جهت شناخت الگوی رفتار مشارکتی افراد مناسب می باشد. کما این که یان کرایب تبیین انتخاب عقلانی را یک تبیین قصدی می داند که عقاید و سلیق شخصی دلیلی بر کنش این افراد است و دارای بعد منفعت طلبانه می باشد (کرایب، 1378: 92). جان الستر نیز در مقام تبیین، این نظریه را نظریه هنجاری می داند که معطوف به کار آمد ترین شیوه ها و وسایل دستیابی به هدف بوده و در پی بنیانگذاری يك نظام فکری و سیاسی است (همان: 92). جیمز رویلی مقوله ها و اصول نظریه گزینش عقلانی را چنین بر می شمارد:

1. کنش انسانها به طور اساسی ابزار گونه بوده،

2. کنشگران رفتارها و سیره خود را از طریق محاسبات عقلانی شکل می دهند،

3. فرایند ها و برنامه ریزیهای اجتماعی در مقیاس وسیع به عنوان نتیجه چنین محاسباتی در نظر گرفته می شود (رویلی، 1997: 81) .

تئوری گزینش عقلانی مبتنی بر دو بعد عقلانیت پارامتریک و راهبردی می باشد. در عقلانیت پارامتریک کنشگر از میان راههای مختلف راهی را انتخاب می کند که بیشترین سود و کمترین هزینه را داشته باشد ولی در عقلانیت راهبردی پیامد انتخاب یک شخص بستگی به عملکرد دیگر تصمیم گیرندگان دارد. لذا کنشگر ضمن محاسبه سود و زیان به عکس العمل دیگران نیز در عمل جمعی توجه می کند (لیتل، 1385 : 81). اما مسئله اساسی در نظریه انتخاب عقلانی پدیده سواری مجانی است که در آن شخص ترجیح می دهد مسئولیت انجام عمل جمعی (تأمین امنیت) را بر عهده دیگران نهاده و خود از نتیجه آن (که همان جامعه امن است) برخوردار شود. بر اساس نظریه انتخاب عقلانی انسانها در تحقق امنیت عمومی کاملاً عقلانی عمل نموده و با محاسبه سود و زیان و عکس العمل دیگر افراد نسبت به اجرای نظم و امنیت در آن مشارکت می کنند و اگر عده ای در جامعه بخواهند در تحقق امنیت به عنوان عمل جمعی مشارکت فعال نداشته و مسئولیت انجام کار را بر عهده دیگران بیاندازند بقیه افراد نیز بر اساس قاعده عقلانی در آن مشارکت نخواهند کرد. البته با در نظر گرفتن فرد گرایی و ناهمگونی و کاهش حساسیت های مدنی و غیره این مسأله شدت خواهد یافت. خاصیت اصلی عمل جمعی در تئوری انتخاب عقلانی آن است که به عنوان یک کالای عمومی به حساب می آید و در آن، بر عکس کالای خصوصی که تحت مالکیت یک فرد قرار دارد، کالای عمومی اگر تولید شود نمی توان کسی را از آن بی نصیب کرد. تأمین امنیت در جامعه، توسعه امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی و غیره به عنوان کالای عمومی تلقی می شوند که به وسیله دولت یا مردم در یک عمل جمعی مشارکت آمیز تأمین می شوند. بر اساس این نظریه، امنیت عمومی به عنوان یک کالای عمومی تلقی می شود که تحقق آن مستلزم مشارکت، همکاری و همدلی مردم با نهادهای انتظامی می باشد و اگر عده ای از آن سر باز زنند امنیت هرگز تحقق نخواهد یافت.

با توجه به این که انسانها موجوداتی خلاق و آگاه هستند لذا بر اساس این تئوری ممکن است به دنبال سواری مجانی و سوء استفاده از دیگران باشند. یعنی نه تنها مسئولیت تأمین امنیت را بر عهده دیگران می اندازند بلکه خود نیز به نا امنی دامن می زنند. به این منظور جامعه شناسانی چون جاناتان ترنر، پیترو اولسون، جان الستر و غیره ضمن توجه به پدیده سواری مجانی در جامعه، برای کاهش تخطی ها و سوء استفاده ها توصیه هایی کرده اند از آن جمله به

تفکیک جامعه به گروه ها و محله های کوچک، نظام تخصیص پاداش ها و امتیازها و محروم کردن کسانی که به دنبال سواری مجانی هستند می توان اشاره کرد. از این رو بر اساس تئوری گزینش عقلانی در تأمین امنیت به عنوان یک کالای عمومی و تحقق آن به عنوان یک عمل جمعی، شکل گیری گروههای کوچک محلی که امکان کنترل و ارائه پادا شها ممکن باشد ضروری است زیرا در محلات شناخت از همدیگر، وجود انتظارات متقابل و روابط چهره به چهره امکان سواری مجانی را از اهالی محله گرفته و آنها را در تأمین امنیت به عنوان کالای عمومی مصمم خواهد کرد (علی نژاد، 1386: ص 113-95).

ب. جرایم امنیت عمومی

یکی از لوازم تولید، حفظ و ارتقاء امنیت عمومی مبارزه و مقابله با جرائم و تخلفات از یک سو و کنترل و بازداشتن از وقوع آنها از سوی دیگر است. «منتسکیو» جرم را اقدام علیه مذهب، اخلاق، آرامش عمومی و امنیت تلقی کرده و برای هر یک مجازات جداگانه را ضروری دانسته است. خصوصیت مهم هر پدیده جنایی یا جرم این است که جامعه را ناامن می کند و «ترس از جرم» را بر مردم مستولی می گرداند. در نتیجه امنیت در بخشهای گوناگون خود، بخصوص امنیت فردی و عمومی به مخاطره می افتد لذا تأمین امنیت، یک مسئله سیاسی محسوب می گردد و تدبیر بهتر برای این مقصود، پایه های قدرت حاکمیت را نیز مستحکم تر می کند و ضعف در انجام این مهم، نشانه ضعف حاکمیت تلقی می شود.

1 ب. قتل نفس

در بین همه انواع خشونت، قتل نفس (آدم کشی) (جان کسی را عمداً و به طور غیرقانونی گرفتن) خطرناک ترین و خوفناک ترین و در عین حال کمیاب ترین نوع خشونت در جامعه است. قتل نفس با توجه به میزان و چگونگی آن در جامعه امنیت عمومی را تحت تاثیر قرار میدهد. آدم کشی در هر حال و به هر شکل جدي ترین نوع جرم و خشونت است، زیرا آسیب وارده از آن بر قربانی به هیچ وجه قابل جبران نیست و برای نزدیکان و دوستان مقتول بسیار سنگین می باشد.

2-ب. قتل های سریالی و جمعی

قتل زنجیره ای یعنی کشتن عده ای از افراد یکی پس از دیگری و در زمانهای مختلف؛ در قتل دسته جمعی تعدادی از افراد در یک جا و یک زمان کشته می شوند و این فرآیند اغلب با خودکشی قاتل یا قاتلان و یا کشته شدن آنها توسط پلیس پایان می پذیرد. قاتلان قتل های دسته جمعی عمدتاً گیر می افتند، اما جانیان قتل های زنجیره ای با تجربه ترند و با برنامه ریزی دقیق تر عمل می کنند و گاهی از چنگ قانون می گریزند. این نوع جرایم ضمن انتشار گسترده

آن توسط رسانه ها ، بشدت امنیت عمومی جامعه را تحت تاثیر خود قرار میدهد

3-ب . شرارت و اوباشگری:

نا امنی های خیابانی، زورگیری، تخریب و غارت اموال عمومی شرارت و اوباشگری از جمله جرایمی است که تاثیر مستقیم در امنیت عمومی و احساس آن در جامعه دارد . اگر شهروندان یک جامعه و عموم مردم در معابر و اماکن عمومی از امنیت لازم برخوردار نباشند و احساس امنیت ننمایند ، نمی توان گفت آن جامعه دارای امنیت عمومی است. وجود، گستردگی و فزاینده انواع اوباشگری در جامعه ، علاوه بر قربانیان مستقیم آن شاهدان ، نزدیکان و دوستان آنهایی را نیز متأثر می کند و امنیت عمومی جامعه را به مخاطره می افکند.

4-ب. جرایم سازمان یافته

فعالیت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی غیر قانونی گروهی از افراد که به صورت رسمی یا غیر رسمی سازمان دهی شده و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، محیط زیستی، اخلاقی و امنیتی بسیار زیان بار آن، که همه افراد جامعه را در معرض خطر جدی قرار می دهد را جرائم سازمان یافته می نامند. سازمان های زیر زمینی عمدتاً در فعالیت های غیر قانونی ، قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه، جرایم خشن خیابانی، کج رفتاری های محیط زیستی، جعل اوراق و اسناد، فساد مالی و سایر جرائم اقتصادی، قاچاق مهاجران، قاچاق زنان و کودکان، هرزه نگاری و فحشاء، سرقت آثار عتیقه و اموال و اشیاء فرهنگی و صادر کردن آن به کشورهای دیگر و پول شویی دخالت دارند جرائم سازمان یافته، اغلب توسط گروهها و سازمان هایی انجام می شود که دارای تشکیلات و بنیه قوی مالی بوده و در دستگاهها و نهادهای حکومتی نیز نفوذ داشته باشند. سازمان های مافیای در تعدادی از کشورها مصداق بارز این گروه ها می باشد.

5 ب . اعتیاد به موادمخدر

اعتیاد به موادمخدر همه ساله ده ها هزار قربانی از مردم جهان می گیرد ، صدها میلیارد دلار هزینه بر آنها تحمیل می کند و خسارات عظیم غیرقابل اندازه گیری به افراد، خانواده ها و کل جامعه جهانی وارد می کند . اعتیاد به موادمخدر بخش قابل توجهی از منابع انسانی ، سرمایه های اجتماعی و اقتصادی جامعه را از بین می برد که علاوه بر جلوه ها و ابعاد منفی آشکار آن ، ابعاد آسیب زای پنهانی نیز دارد که شاید به مراتب خطرناک تر از ابعاد آشکار آن باشد . تحمیل هزینه های هنگفت اقتصادی و انسانی به جامعه و ایجاد تشکیلات گسترده مبارزه با آن ، افزایش جرایم متأثر از اعتیاد مثل طلاق ، خودکشی، سرقت،

روسپی‌گری، شیوع بیماری‌های خطرناکی مانند ایدز، فروش مواد مخدر، افسردگی و سرخوردگی اجتماعی، ایجاد فشار و تنش روانی در خانواده‌ها، فروپاشی خانواده‌ها، مشکلات تربیتی فرزندان و فرار کودکان از خانه، کاهش مشارکت اجتماعی افراد معتاد و از بین رفتن منابع انسانی و ضرر و زیان مالی به جامعه سلب امنیت روانی از مردم و گسترش هراس عمومی تنها بخشی از پیامدهای اعتیاد است که امنیت عمومی جامعه را به چالش می‌کشد.

### ج. مشارکت مردم در امنیت عمومی

با پیچیده تر شدن جوامع انسانی، شکل‌های مشارکت نیز پیچیده تر و سازمان یافته تر گردیده است. با آنکه در مورد خاستگاه مشارکت اجتماعی نزد صاحب نظران اختلاف نظر وجود دارد، در هر صورت نقش و کارکرد مشارکت به عنوان یک فرایند اجتماعی انکار ناپذیر است. تنها راه نیل به هدف‌های انسانی به ویژه توسعه و پایداری آن، مشارکت و همیاری گروه‌ها، قشرها، طبقات اجتماعی شناخته شده است. افراد در قالب قشرها و طبقات مختلف در حدود معینی در چرخش امورات حیات اجتماعی، دخالت، همکاری و همیاری داشتند، توسعه مشارکت در امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... عمده ترین نتیجه تحولات قرون اخیر و به خصوص نیمه دوم قرن بیستم است و پس از جنگ جهانی دوم کارکرد آن به قدری روشن شده و مورد توجه قرار گرفته است که به عنوان یک ابزار اساسی برای تحقق توسعه اقتصادی، اجتماعی مطرح شده و علاوه بر آن یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی نیز تلقی می‌گردد (بیات، 1387: 148).

چلبی موضوعات فرد و جامعه را به عنوان دو عنصر اساسی سازنده جامعه در سطح خرد و کلان می‌پندارد و بیان می‌دارد که از نظر تحلیلی تعامل دارای دو وجه عمده «ابزاری» و «اظهاری» است. در تعامل با وجه صرفاً ابزاری، تعامل برای کنشگر جنبه کاملاً ابزاری دارد. در فضای محدود کلمه سنخ عالی چنین تعاملی نوعی مبادله سرد است. با توجه به فراوانی این نوع از تعامل بیشتر دارای خصلت تصادفی و مشروط هستند (چلبی، 1377: 16). اشکال این نوع از تعامل را می‌توان خودخواهانه، عمل متقابل به مثل، حسابگرانه و فردگرایانه دانست. در روابط مبادله‌ای ابزاری افراد نسبت به یکدیگر احساس غریبی می‌کنند و نوع روابط نسبتاً ناپایدار، زوال بخش، رقابت آمیز، خصومت‌زا و تضادآلود و پرخاشگرانه مبتنی بر زور است. با توجه به

ویژگی تعاملات ابزاری این نکته مشهود است که آنها نمی توانند بستر مناسبی برای اعتماد ایجاد کنند بلکه برعکس بی اعتمادی را تقویت می کنند.

اما آنچه افراد را به هم پیوند می دهد و باعث تکرار و دوام تعاملات می گردد بعد اظهاری تعامل است. از بعد اظهاری تعامل فرد حائز ارزش درونی یا مصرفی است. به عبارتی تعامل هدف است نه وسیله، از طریق تعامل اظهاری است که ما «اجتماع» یا گروه اجتماعی شکل می گیرد. در تعاملات مبادله ای، کالا و خدمات مبادله می شود. در تعامل قدرت، دستورات و در روابط گفتمانی اطلاعات، خواسته ها، انتظارات و اندیشه جهت رسیدن به تفاهم رد و بدل می شود و نهایتاً در روابط اجتماعی حق و تکلیف و عاطفه مبادله می شود. به طور کلی چلبی اعتقاد دارد که در یک نظام تعاملی (یا ارتباطی) با یکدیگر برای رسیدن به «ما» مشترک قرار دارند، که منجر به همفکری، مشارکت، همدلی و همبستگی در یک نظام اجتماعی می شود. در چنین نظامی افراد تعهد و تعلق به یکدیگر داشته و گسترش تعاملات اجتماعی موجب انسجام و وابستگی عاطفی و اعتقاد اجتماعی می شود و افراد در چنین نظامی از پیوندهای قوی، دوستی، صمیمیت برخوردار هستند و به تدریج بیشتر پلهای ارتباط در شبکه تعاملات جامعه گسترش یافته و معاشرت پذیری، روابط کلامی جانشین پرخاشگری و جامعه ستیزی و جامعه گریزی می گردد. بنا براین چلبی یک سنخ شناسی عمومی از انواع مبادله ارائه می دهد.

آنچه که مسلم است چلبی انواع نظام های مبادله را بر اساس دو سطح مبادله ابزاری و اظهاری (ارتباط اجتماعی) تقسیم می کند و بیان می دارد که می توان با چهار نوع مبادله متقارن سرد، مبادله نامتقارن سرد، مدل مبادله نامتقارن گرم و مدل مبادله متقارن گرم نظام مبادله اجتماعی را تفسیر و تبیین کرد. در مبادله متقارن سرد (معامله) طرفین مبادله دارای روگیری ویژه گرا و خنثی هستند. به تعبیر دیگر این نوع مبادله را می توان مبادله قراردادی هم نامید. این مبادله دارای اشکال گوناگون می باشد از جمله می توان به مبادلات اقتصادی نیز اشاره کرد. در مبادله نامتقارن سرد (ربایش) از لحاظ اخلاقی، نوع بده بستان منفی حاکم است. در روابط مبادله نامتقارن سرد طرفین معمولاً نسبت به یکدیگر احساس منفی دارند. لذا در این مبادله اغلب روابط مبتنی بر زور و حيله استوار است. نوع سوم مبادله نامتقارن گرم (بخشش) است این نوع تعامل انتشاری و عاطفی است. در این مبادله طرفین نسبت به یکدیگر احساس مثبت دارند. ایثار، یاری گری دگرخواهانه و بخشش جزء این نوع از مبادله است. مبنای چنین مبادله ای

معاشرت پذیری و دوستی است. طرفین ضمن خدمت و حمایت نسبت به یکدیگر انتظار هیچگونه برگشت خدمت ندارند. در حال حاضر مصداق چنین مبادله ای، گروه‌های اولیه دوستی، همسایگی، ایثار، فداکاری نسبت به یکدیگر است. نوع چهارم مبادله، متقارن گرم (یاری) است. در این نوع مبادله اولویت به نفع جمعی و وابستگی عاطفی تعمیم یافته است. روابط اجتماعی در این مبادله از نوعی گرمی و صمیمیت برخوردار است و طرفین به رفاه و آرامش یکدیگر علاقه مند هستند. البته منشأ شکل‌گیری این مبادله همفکری، همدلی، اعتماد و حسن‌نیت متقابل است. به طور کلی چلبی تعاملات از نوع اظهاری را یکی از ابعاد بنیادین ساخت اجتماعی می‌داند که در عرصه نظم بخشیدن به جامعه و یا هر نوع سازمان اجتماعی و گسترش همکاری اجتماعی و تقویت هنجارهای مشارکت جویانه مردم بسیار موثر است (بیات، 1378: 52). در تولید، حفظ و ارتقاء امنیت عمومی، اعتماد و مشارکت مردم و نهادهای اجتماعی نسبت به دستگاه‌های تامین کننده امنیت (پلیس، دستگاه قضایی و...) از راهبردهای موثر و اساسی می‌باشد.

### نتیجه گیری

تحقیق حاضر ضمن تبیین امنیت عمومی و تمایز آن با سایر سطوح امنیت، دیدگاهها و نظریات مختلف و نیز تهدیدات علیه امنیت عمومی مورد بررسی قرار داد. جستجوی امنیت از مهم‌ترین نیازها و انگیزه‌های انسانی است. مهم‌ترین نیاز جامعه، خواه یک طایفه یا قبیله و خواه یک کشور، تأمین امنیت آنها توسط حکومت‌ها و دولت‌هاست. از امنیت عمومی و مرجع و تامین‌کنندگان آنان تعابیر مختلفی ارائه شده است. برای تعیین مرزهای مفهومی بین امنیت عمومی و سایر سطوح امنیت گاهی امنیت عمومی با امنیت داخلی و گاهی نیز با امنیت اجتماعی و فردی مقایسه شده است. در مقایسه بین امنیت عمومی و امنیت داخلی میتوان گفت امنیت داخلی بر اساس معیار جغرافیایی، در نقطه مقابل امنیت خارجی تعریف شده است و بر این مبنا همه موضوعاتی را که در قلمرو ملی قرار دارند شامل می‌شود. بدین ترتیب امنیت عمومی از حیث موضوعی در حوزه امنیت داخلی قرار دارد؛ با این توضیح که بخشی از مسایل امنیت داخلی که ناظر بر مناسبات «قدرت - مردم» و «مردم - مردم» است، در حیطه امنیت عمومی قرار می‌گیرد.

در مقایسه بین امنیت عمومی و امنیت اجتماعی میتوان گفت مفهوم اجتماعی در امنیت اجتماعی حاصل نوعی تکثر و همنشینی هویت ها می باشد . واحد تحلیل امنیت اجتماعی هویت ها یا هویت اجتماعی می باشد و ح فظ هویت در سطح ملی، قومی و مذهبی مورد نظر می باشد . بعضاً اعتقاد بر این است که امنیت اجتماعی بر مجموعه سیاست ها و راه کارهایی دلالت دارد که هدف از آنها ایجاد اطمینان خاطر در زندگی جمعی افراد است و معمولاً از آن به تامين اجتماعی تعبیر می شود. حال آن که «امنیت عمومی» از حیث موضوعی فراتر از این ساز و کارها رفته و افزون بر سیاست های جبرانی، تأسیسات حقوقی حاکم بر جامعه ، اخلاقیات و ... را نیز در بر می گیرد . با این تعریف مشخص می شود که امنیت اجتماعی بخشی از امنیت عمومی است که ماهیت «جبرانی» داشته و در پی ایجاد «اطمینان خاطر» در شهروندان باشد. یا در مقایسه با امنیت فردی باید گفت امنیت فردی به بخش یا سطحی از امنیت اشاره می کند که موضوع اصلی آن فرد است، به تعبیر دیگر فرد مهم ترین موضوع یا مرجع امنیت تلقی می گردد . بسیاری از رویکردهای امنیتی خاستگاه فرد محوری دارند . به طور مثال، نظریات انتقادی فرد را موضوع نهایی امنیت می دانند و رهایی و آزادی او از تهدیدات و مشکلات را مترادف با امنیت می انگارند . اما در این تحقیق تعریف ما از امنیت عمومی عبارت است از «وضعیتی است که ضمن حفظ و حراست از ارزشهای اساسی و هنجارهای جامعه، عموم مردم از هرگونه تعرض و تهدیدی نسبت به جان، مال، ناموس و عرض خود در امان بوده و درخصوص رعایت و حمایت از حقوق مشروع خود از طرف سایر بازیگران (افراد، گروه ها، نهادها و دولت) اطمینان خاطر داشته و احساس آرامش کنند.» همچنین مرجع امنیت عمومی «عموم» و تامين کنندگان آن نیز حکومت و جامعه میباشند.

امروزه کشورها مهم ترین واحد سیاسی در صحنه روابط خارجی و داخلی هستند و مهم ترین هدف و وظیفه آنها تلاش برای تامين امنیت فراگیر و عمومی است. مردم نیز از دولت و نهادهای سیاسی و امنیتی جامعه برای تامين امنیت و آرامش جامعه همراه با رفاه اقتصادی و هویت آن بیشترین انتظار را دارند. رشد جوامع و خودشکوفایی آنها متکی بر سرمایه های انسانی و اجتماعی بوده و این هر دو، نیازمند امنیت است. تأثیر پذیری امنیت از اقتصاد، فرهنگ، صنعت و جمعیت و تأثیر گذاری آن بر همه شاخص های توسعه و حیات انسانی، به آن نقش بنیادی داده است. اسلام امنیت را در زمره بزرگترین مواهب الهی قلمداد می کند و آن را نعمتی ناشناخته و هم تراز سلامتی می داند. در قانون اساسی کشور



نیز در اصول مختلف بویژه در اصل سوم و بیست و یکم بر ضرورت و اهمیت امنیت عمومی تأکید شده است.

از سوی دیگر امنیت و تهدید برداشتهای مختلف از یک پدیده هستند. این دو مفهوم قدمتی به وسعت تاریخ حیات انسان داشته و از جهت بر مفهوم جامعه و اجتماع نیز تقدم دارند. این دو مفهوم به تدریج با توسعه زندگی بشری تحول و ابعاد تازه ای یافتند، بگونه ای که دولتها امروزه باید با شناسایی تهدیدات و پیچیدگی های آن در بخشهای مختلف سیاسی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی اعم از حوزه های داخلی و خارجی با ایجاد امنیت فراگیر زمینه های توزیع برابر فرصتها، امکانات و خدمات را فراهم آورند. بدون توجه به شناخت تهدیدات و ایجاد نظم و امنیت و آرامش همه جانبه در سراسر قلمرو سرزمینی نه تنها زمینه های ایجاد فرصتهای برابر و تحقق عدالت فراهم نمیشود بلکه نظم و امنیت عمومی کاهش یافته و زمینه های تقابل دولت و ملت در قالبهای مختلف از جمله مشارکت منفی فراهم میشود.

تهدید، وضعیتی است که در آن خطر جدی نسبت به ارزش های مهم درک می شود. مهمترین ارزش ها در حوزه امنیت، مرجع امنیت است، بنابراین، تهدیدات امنیت عمومی را باید تهدیداتی دانست که به طور جدی و اساسی و وجوه سه گانه مرجع امنیت عمومی را به مخاطره می اندازند. تهدیدات خارجی اعم از سخت و نیمه سخت و یا نرم مهمترین تهدیدی است که سطح امنیت ملی و سطوح دیگر مانند امنیت عمومی را تحت تاثیر قرار می دهد بنابراین ممکن است منابع تهدید امنیت عمومی همان منابع تهدید امنیت ملی باشد اما تهدید شونده (مرجع امنیت) در هر یک از سطوح متفاوت باشد که در نتیجه تأمین کننده امنیت نیز متفاوت خواهد بود. برای مثال تهدیدات اقتصادی می تواند از طریق پدیده های اقتصادی مانند تورم یا رکورد اقتصادی موجب ناامنی عمومی شود این امر ممکن است ناشی از تهدیدات خارجی مانند تحریم اقتصادی باشد. و یا فرقه گرایی و اختلاف قومی و مذهبی نیز می تواند به عنوان تهدیدات اجتماعی ابعاد مختلف امنیت عمومی را مخدوش کند و نیز تهدیدات فرهنگی که در بی هویت کردن جامعه نقش به سزایی دارد می تواند ابعاد مختلف امنیت عمومی را تحت تاثیر قرار دهد ناشی از تهدیدات خارجی باشد.

منابع

افتخاري، اصغر، (1384)، *معمای امنیت عمومی در کنکاشی بر جنبه های مختلف امنیت عمومی و پلیس*، تهران، دانشگاه علوم انتظامی

بوزان، باری، مردم، (1387)، *دولتها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی

بیات، بهرام و همکاران، (1387)، *پیشگیری از جرم*، تهران، معاونت اجتماعی ناجا

بیات، بهرام، (1387)، *فرا تحلیل آسیب های اجتماعی*، تهران، معاونت اجتماعی ناجا

پارسا، محمد، (1376)، *روانشناسی یادگیری بر بنیاد نظریه ها*، تهران، بعثت

پاتنام، روبرت، (1380)، *دموکراسی و سنتهای مدنی*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، سلام

پاتنام، روبرت، (1384)، *جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی مردمی*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه

پوریانی، محمدحسین، (1382)، *عوامل اجتماعی بزهکاری جوانان و راه پیشگیری از آن*، مندرج در: مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات

چلبی، مسعود، (1377)، *جامعه شناسی نظم*، تهران، موسسه نشر کلمه

لیتل دانیل، (1385)، *تبیین در علوم اجتماعی*، مترجم عبدالکریم سروش، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط

ره پیک، سیامک، (1387)، *نظریه امنیت*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی

ریترز، جورج، (1374)، *نظریه جامعه شناسی در دوران مدرن*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی

عبدالله خانی، علی، (1383)، *نظریه های امنیت*، جلد اول، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر

علی نژاد، منوچهر، (1386)، *تبیین جامعه شناختی امنیت عمومی، مشارکت مردمی و محله گرایی*، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره اول جدید

فرجاد، محمد حسین، (1371)، *آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات*، تهران، انتشارات مجد

غفاری، غلامرضا، (1387)، *تبیین نظریه سرمایه اجتماعی*، مندرج در: مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی

کرایپ، یان، (1378)، *نظریه اجتماعی مدرن* (از پارسونز تا هابرماس)، ترجمه عباس مخبر، تهران، آگه

کیسی نجر، هنری، (1381)، *دیپلماسی امریکا در قرن 21*، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر

کی نیا، مهدی، (1375)، *مبانی جرم شناسی*، تهران، دانشگاه تهران

مومنی، اسکندر و همکاران، (1389)، *راهبرهای ارتقاء امنیت عمومی*، تهران، دانشگاه دفاع ملی

مومنی، اسکندر و حسین عساریان نژاد، (1390)، *تبیین و ترسیم مولفه ها و شاخص های تولید اختلال و بی نظمی اجتماعی*، *فصل نامه امنیت ملی*، دانشگاه عالی دفاع ملی

نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (1377)، *دانشنامه جرم شناسی*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی

هانتینگتون، ساموئل، (1370)، *سامان سیاسی در کشورهای دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم

Lenmann, David, ( 1979), *Development Theory*; four critical studies, London, Tavistok

Watson, Scott, ( 2005) , *Societal security*; Applying the concept on the process of Kurdish identity, 2005

Waver, Ole, Burry Buzan, Morten Kelstrup, Pierre Lamaitre, *Identity migration and new security agenda in Europe*, London: Continuum International Publishers, 1993

Wilson J Ernest, (2008) , *Hard Power, Soft Power, Smart Power*, The ANNALS

*The new encyclopedia Britannica* ,volume8, 15th edition,2005